



Woman in Development and Politics

Construction of Split Identity: Conditions and Consequences of Independent Migration for Young Women

Hossein Afrasiabi¹ | Zahra Khoramian²

1. Corresponding Author, Full Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: hafrasiabi@yazd.ac.ir
2. Master of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: zahra.khoramian@stu.yazd.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 21 October 2023 Received in revised form: 5 April 2024 Accepted: 8 May 2024 Published online: 5 July 2024</p> <p>Keywords: <i>Girls,</i> <i>Women,</i> <i>Migration,</i> <i>Independent Migration,</i> <i>Identity.</i></p>	<p>In recent years, there has been a notable increase in independent geographical mobility and migration among women, coinciding with changes in the status and role of women. Particularly from the standpoint of migrant women, the extent and repercussions of this phenomenon remain obscure. The purpose of this study is to understand the causes and effects of young women's independent migration. The research was carried out utilizing a qualitative methodology. By means of semi-structured interviews, information was gathered from eighteen young women who migrated to Yazd on their own. Participants were selected using methods of purposfull-snowball sampling. Grounded theory coding were utilized to analyze the data. The analysis yielded seven primary themes, of which one was identified as the central theme. Preference for estrangement, housing constraints, job/financial security, independence, social distancing from the host community, misalignment, and familial pressure and control are the major themes. Additionally, a dual-identity construction was recognized as a pivotal motif. The results suggest that individuals develop a dual identity as a result of the mixture of an uncertain upbringing at home and a complex existence at the destination. Although they migrate in response to pressures and restrictions from their country of origin, acclimatization and life in their country of origin present obstacles. Due to their encounter with novel circumstances, they develop a dual identity.</p>
<p>Cite this article: Afrasiabi, H. & Khoramian, Z. (2024). Construction of Split Identity: Conditions and Consequences of Independent Migration for Young Women. <i>Women in Development and Politics</i>, 22(2), 407-433. DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.364939.1008381</p>	
<p> © The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.364939.1008381</p>	



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

برساخت هویت دویاره: زمینه‌ها و پیامدهای مهاجرت مستقل زنان جوان

حسین افراسیابی^۱ | زهرا خرمیان^۲

۱. نویسنده مسئول، استاد تمام جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: hafrasiabi@yazd.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: zahra.khoramian@stu.yazd.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: دختران، زنان، مهاجرت، مهاجرت مستقل، هویت.</p>	<p>به موازات تغییر در جایگاه و نقش زنان، تحرک جغرافیایی و مهاجرت مستقل زنان در سال‌های اخیر، رشد قابل توجهی داشته است. این پدیده ابعاد و پیامدهای ناشناخته‌ای به‌ویژه از دیدگاه خود زنان مهاجر دارد. هدف این پژوهش، فهم زمینه‌ها و پیامدهای مهاجرت مستقل دختران جوان است. این پژوهش با رویکرد کیفی عام (بنیادی) اجرا شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ زن جوان که به‌تنبهایی به شهر یزد مهاجرت کرده‌اند، گردآوری شد. گزینش مشارکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انجام گرفت. داده‌ها پس از مکتوب‌شدن به شیوه کدگذاری داده‌بنیاد تحلیل شدند. حاصل تحلیل در قالب هفت مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی ارائه شده است. مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از: ترجیح غریبی، تأمین شغلی/مالی، ذائقه زیست مستقل، فشار و کنترل خانواده، فاصله‌گذاری اجتماع میزبان، کسازگاری و تنگنای اسکان. برساخت هویت دویاره نیز به‌عنوان مقوله مرکزی شناخته شد. یافته‌ها نشان داد زیست ناپایدار در مبدأ با زیست چندپاره در مقصد به شکل‌گیری هویت دویاره در میان مشارکت‌کنندگان منجر شده است. دختران مهاجر تحت محدودیت‌ها و فشارهای مبدأ اقدام به مهاجرت می‌کنند، اما سازگاری وزندگی در مقصد نیز برای آن‌ها خالی از چالش نیست. مواجهه آن‌ها با شرایط جدید، برساخت هویتی دوگانه را برای آن‌ها به همراه دارد.</p>

استناد: افراسیابی، حسین و خرمیان، زهرا (۱۴۰۳). برساخت هویت دویاره: زمینه‌ها و پیامدهای مهاجرت مستقل زنان جوان. زن در توسعه و سیاست، ۲۲(۲)، ۴۰۷-۴۳۳.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.364939.1008381>

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.364939.1008381>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

تحرک و استقلال‌یابی زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افزایش یافته است. به موازات تغییر در جایگاه و نقش زنان، تحرک جغرافیایی و نقش‌آفرینی آنان در مهاجرت در سطح فردی و خانوادگی نیز تقویت شده است. با رشد فردیت و آزادی‌های نسبی و تحول در زندگی دختران، مهاجرت مستقل آنان رونق بیشتری گرفته و در حال تبدیل شدن به یک سبک زندگی است. زنان به دلایل گوناگونی از جمله یافتن کار، تحصیل، استقلال شخصی، به‌دست آوردن امکانات زندگی بهتر و رهایی از فشار تبعیت از شبکه خانوادگی اقدام به مهاجرت می‌کنند. در گذشته عمدتاً مهاجرت پدیده‌ای مردانه و خانواده‌محور بود. دختران و زنان نیز در صورت مهاجرت، اغلب تابع مردان بودند، اما با گسترش آموزش عالی، رشد فناوری و اشتغال، امروزه زنان به‌طور مستقل به گوشه و کنار کشور و جهان مهاجرت می‌کنند. تحولات ارزشی جامعه جدید، تغییر نقش‌های جنسیتی و تحول بنیادین در نگرش‌ها و پایگاه اجتماعی زنان، زمینه تحرک همه‌جانبه آنان را فراهم کرده است. دنیای جدید، چشم‌انداز اغلب زنان را در جهان و کشور ما دگرگون کرده و فرصت‌های شغلی و تحصیلی متنوعی پیش‌روی زنان قرار داده است. مجموع این تحولات، تحرک جغرافیایی و جابجایی مکانی زنان را مانند بسیاری دیگر از مردم جامعه معاصر آسان کرده است.

یزد در سال‌های اخیر میزبان مهاجران بسیاری از نقاط مختلف ایران است که از اقشار و جنسیت‌های مختلف‌اند. استان یزد از نظر خالص مهاجرت استانی بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۵، بعد از استان‌های تهران و البرز، از مهاجرپذیرترین استان‌های ایران است (National Statistice Center of Iran, 1395). براساس داده‌های سرشماری از سال ۱۳۶۵-۱۳۹۵، جمعیت مهاجر در استان یزد مرتب افزایش یافته است. در این جابه‌جایی جمعیتی، زنان سهم مهمی دارند. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ از یک میلیون و ۹۶۵ هزار و ۴۹۱ نفر مهاجر جابه‌جاشده در میان استان‌های کشور، ۸۷۴ هزار و ۲۰۴ نفر (حدود ۴۴ درصد) از مهاجران را زنان تشکیل داده‌اند. در دوره پنج‌ساله ۱۳۹۰-۱۳۹۵ نیز از ۲ میلیون و ۶۲ هزار و ۹۵۴ مهاجر میان‌استانی، ۹۸۱ هزار و ۶۴۸ نفر زن بوده‌اند؛ یعنی بیش از ۴۷ درصد مهاجران میان‌استانی در کشور را زنان تشکیل می‌دهند. این رقم‌ها نشان از سهم زنان مستقل در مهاجرت‌های داخلی ایران دارد. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ در ایران، میزان مهاجرت زنان ۴۵ درصد از میزان کل جمعیت مهاجرت را تشکیل داد. این میزان در دهه ۱۳۸۵-۱۳۹۰ به ۴۸ درصد رسید (Moshfegh, 2015: 87).

به دلایلی از جمله گسترش صنعت و فناوری، امکان اشتغال، تعدد مراکز آموزشی و فرهنگی، امنیت و خوشنامی، یزد به یکی از مهم‌ترین مقصدهای مهاجران داخلی تبدیل شده است. مهاجرت

مستقل زنان و دختران نیز به همین دلایل در این شهر اتفاق می‌افتد. از تعداد دختران مهاجر در این شهر اطلاع دقیقی وجود ندارد، ولی بنا بر مشاهدات، تعدادی از دختران در این شهر به صورت مستقل مهاجرت کرده‌اند و زندگی می‌کنند. برخورداری از بافت سنتی جذاب، خوشنامی و حس آرامش و امنیت، میل به ماندن در این شهر را برای زنان مهاجر افزایش می‌دهد. هرچند تفاوت فرهنگی مردم میزبان این شهر با مهاجران جوان و مدرن محسوس است، به نظر می‌رسد گفت‌وگوی مهاجران مدرن با شهر آرام و نسبتاً سنتی یزد، به ثمر نشسته است. یزد فضای اشتغال و پیشرفت را برای دختران مهاجر فراهم کرده است و به نفع این جوانان، مقداری کوتاه آمده و با خواسته جوانان نوگرا همراه شده است. در این گفت‌وگو و تعامل شهر و فرهنگ یزد با مهاجران، حال و هوای فرهنگی و اجتماعی در حال بر ساخت است. همین دلایل سبب شد شهر یزد را به عنوان میدان مطالعه در نظر بگیریم.

درباره مهاجرت پژوهش‌های متعددی انجام شده (Mahmoudian et al., 2009; Alirezanejad et al., 2002; Sadeghi, et al. 2020)، اما کمتر به مسئله مهاجرت مستقل زنان جوان توجه شده است که همین موضوع می‌تواند سرآغاز بحث‌های فراوان و متنوع باشد. یکی از این بحث‌ها واکنش مهاجران به فرهنگ و شیوه رفتاری بومیان است. این فرهنگ و رفتار بسته به موقعیت جغرافیایی شهر مبدأ متفاوت است و هرچه از شهر و روستای مبدأ دورتر شویم، تنوع رفتاری افزایش می‌یابد. همین امر سبب می‌شود افراد سعی کنند خود را با محیط جدید وفق دهند. این تغییر در بسیاری از موارد به صورت کامل اتفاق نمی‌افتد و با تغییرات و بروز شکل‌های جدیدی از رفتار و شیوه‌ها برخورد می‌شود. همین موضوع نشان‌دهنده تغییرات سریع در مسئله پسمهاجرت است. برای درک بهتر و شناسایی دقیق‌تر موضوع مهاجرت، از بین زنان و مردان مهاجر، دختران جوان را ارزیابی و بررسی می‌کنیم تا بتوانیم مسائل و مشکلاتی را که این افراد با آن مواجه هستند کشف کنیم. در این پژوهش، سعی بر بررسی کلی شرایط دختران مهاجر است که از زبان خود آنان پی می‌بریم. هدف این تحقیق کیفی، فهم چگونگی و پیامدهای مهاجرت مستقل به شهر یزد از دیدگاه دختران است. به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم: دختران جوان چه فهم و تفسیری از مهاجرت مستقل دارند؟ دلایل و زمینه‌های مهاجرت دختران به شهر یزد چیست؟ اقدام به مهاجرت چه پیامدهایی برای دختران داشته است؟ دختران از چه کنش‌هایی برای سازگاری با مهاجرت مستقل خود استفاده می‌کنند؟

یافته‌های این مطالعه با فراهم کردن فهم عمیق و میدانی از پدیده مهاجرت مستقل دختران و زنان جوان می‌تواند برای چند گروه مفید باشد: برای دخترانی که به صورت مستقل مهاجرت کرده‌اند،

دخترانی که هنوز مهاجرت نکرده‌اند و در حال ارزیابی مهاجرت مستقل‌اند و برنامه‌ریزان اجتماعی و سیاست‌گذاران. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به دختران و زنان جوانی که اقدام به مهاجرت مستقل کرده‌اند، آگاهی دهد و کمک کند آگاهی بیشتری از موقعیت خودشان و کسانی که شبیه آن‌ها هستند، به دست آورند. انعکاس تجربه مشارکت‌کنندگان می‌تواند به دخترانی که در اندیشه مهاجرت مستقل‌اند، اما هنوز مهاجرت نکرده‌اند، پیش‌آگاهی دهد و آن‌ها را از راهی که در آینده پیش دارند، آگاه کند. برای برنامه‌ریزان نیز فهم میدانی و عمیقی از شرایط و زمینه مهاجرت زنان جوان فراهم می‌کند تا با دید واقع‌بینانه در زمینه مهاجرت زنان جوان برنامه‌ریزی کنند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه تجربی

با توجه به روند روبه‌رشد مهاجرت مستقل زنان، تحقیقات در این زمینه افزایش یافته است زارع-مهرجردی و همکاران (۲۰۲۲) در واکاوی کیفی داستان زنان مهاجر یزدی در استان تهران، سه مدل مهاجرتی این زنان را مطرح کرده‌اند: ۱. میل به خودساختگی، ۲. میل به پیشرفت اقتصادی-اجتماعی و ۳. عدم تجانس فرهنگی. نتایج مطالعه اسماعیلی و همکاران (۲۰۱۷) نشان داده که با گذشت زمان و افزایش منزلت اجتماعی، زنان نقش مهم‌تری در تصمیم به مهاجرت دارند. محمودیان و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی نقش زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی به استان تهران به این نتیجه رسیدند که به میزانی که زنان از محل سکونت خود ناراضی‌اند، به مهاجرت اصرار بیشتری دارند. همچنین با افزایش قدرت زنان در خانواده، تأثیر نظر آنان بر مهاجرت بیشتر است. صادقی و همکاران (۲۰۱۵) در تحلیل ثانویه داده‌های مهاجرتی جنسیت و مهاجرت در ایران به این نتیجه رسیدند که در دو دهه اخیر، سهم زنان در جریان‌های مهاجرتی بیشتر شده است. یافته‌های مطالعه مشفق و همکاران (۲۰۱۵) حاکی از آن است که الگوهای سنتی مهاجرت - که بیشتر مردم‌محورند و زنان به تبعیت از مردان مهاجرت می‌کنند - در حال تغییر است و به تدریج نوعی الگوی زنانه‌شدن مهاجرت در ایران در حال تکوین است. در این تحقیق دو الگوی مهاجرتی برای زنان شناسایی شد: یکی زنان مستقلی که از مهاجرت به‌عنوان راهبرد توسعه فردی استفاده می‌کنند. این گروه از زنان مهاجر، تحصیل کرده و متخصص‌اند. الگوی دیگر، زنان مهاجری هستند که از مهاجرت به‌عنوان راهبرد بقا استفاده می‌کنند. این گروه بیشتر به‌دلیل بیکاری، فوت همسر یا طلاق مهاجرت می‌کنند. کرمی‌قهی و همکاران (۲۰۱۲) نتیجه گرفتند یکی از زمینه‌های اصلی روی آوردن دختران به تک‌زیستی اشتغال است که به دلایل مختلف نظیر نیاز مالی، نیاز به پایگاه اجتماعی بالاتر و درنهایت رهایی از احساس روانی سربار

خانواده‌بودن و مواردی از این قبیل انجام می‌شود. اسمعیلی و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی زنان جوان ایرانی در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ در شهر تهران نشان دادند حدود یک‌پنجم زنان جوان به دلایل شغلی و تحصیلی دست به مهاجرت و جابه‌جایی زده‌اند و تأهل اثر منفی بر نقش زنان در فرایند مهاجرت داشته است.

بروک^۱ (۲۰۲۰) در میان دختران مهاجر نیروژ دریافتند دختران و زنان جوان نیاز بیشتری به ارتباط عاطفی و حمایت بیشتری در دوران اقامت دارند. مطالعه عبدالعزیز^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در هند مشخص کرد در میان زنان مهاجر و خانواده‌های آنها احساس محدودیت و حفظ فاصله اجتماعی به اضطراب منجر شده است. آلن^۳ و همکاران (۲۰۲۰) با موضوع روند مهاجرت داخلی و توانمندسازی زنان در پاکستان (۲۰۱۸) به روش بررسی اسنادی در بین زنان متأهل مهاجر به این نتیجه رسیدند که مهاجرت با توانمندسازی ارتباط مستقیم دارد. زنان مهاجر شهری نسبت به هم‌تایان روستایی خود در بحث استقلال اجتماعی و توانمندسازی سهم بیشتری دارند. فرهاناسونی^۴ و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی مهاجرت داخلی در بنگلادش و توانمندسازی زنان دریافتند توانمندسازی زنان با توجه به شاخص‌های مختلفی همچون مالکیت زمین، مشارکت در فعالیت‌های درآمدزا، تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌کردن درآمد به دست‌آمده، استقلال جنسی، مشارکت سیاسی و میزان آزادی اجتماعی، با مهاجرت زنان بیشتر شده است. کوهنت^۵ (۲۰۱۹) در فرانسه با مروری ساختاریافته بر عوامل تعیین‌کننده مهاجرت به روش اسنادی نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به شرایط اقتصادی-اجتماعی که به مهاجرت منجر می‌شود، گروه‌های آسیب‌پذیر و فقیرتر از مهاجرت عقب افتاده و از این روند جا مانده‌اند که از عوامل یادشده سهم کمتری دارند، اما در نهایت عوامل اقتصادی و محیطی بیشترین تأثیر را بر انگیزه مهاجرت دارند. تیتنسور^۶ و همکاران (۲۰۱۷) با مطالعه زنان‌شدن مهاجرت، به روش اسنادی به این نتیجه رسیدند که تعداد زنان مهاجر تقریباً ۴۸ درصد ثابت مانده است. مازاد نیروی کار در اندونزی و فیلیپین و تمایل به دریافت پاداش‌های مالی از حواله‌ها، یک مدار مهاجرت برای زنان ایجاد کرده است. زنانی که در این مناطق مهاجرت می‌کنند، به دستور دولت و اقتصاد جهانی حرکت می‌کنند. لوکاس^۷ (۲۰۱۵) در سوئیس با موضوع مهاجرت داخلی در اقتصادهای در حال توسعه به روش

1. Martika Irene Brook

2. Abdul Azeez, E. P.

3. Courtney K. Allen

4. Sonya Farhana Sony

5. Jana Kuhnt

6. David Tittensor

7. Robert e.b. Lucas

اسنادی و مرور مطالعات بر روی آسیا به این نکات اشاره می‌کند که در مقایسه با مهاجرت بین‌المللی، ده عنصر به‌عنوان محرک‌های مهاجرت روستا به شهر و روستا به روستا عمل می‌کنند که شامل جست‌وجو برای فرصت درآمدی بهتر، نقش آموزش و پراکندگی امکانات، اثرات زیربنایی آب‌وهوا، ریسک‌پذیری، تحصیلات، تغییر و بلایای طبیعی و خشونت همچنین نگرانی برای اتحاد خانواده است. آکتر^۱ و همکاران (۲۰۱۵) بنگلادش با موضوع مهاجرت داخلی و وضعیت زنان کارگر ساختمانی به روش ترکیبی کیفی و کمی متذکر می‌شوند که زنان کارگر از قشری هستند که از نظر اقتصادی و اجتماعی سنتی‌اند و برای امرارمعاش ناچار به فعالیت هستند. این زنان با آزار و اذیت در خانه و محل کار، شرایط کاری نامناسب، ناامنی و زیرساخت‌های نامناسب بهداشتی مورد تبعیض جنسیتی قرار می‌گیرند. همچنین در محیط کار فرصت آموزش ندارند و در زمان پرداخت دستمزد استثمار می‌شوند و با ناامنی شغلی مواجه هستند. هرینگ^۲ و همکاران (۲۰۰۴) در مراکش به روش پیمایشی با موضوع نقش شبکه‌های خانوادگی و فرهنگ مهاجرت به این نتیجه رسیدند که برای مردان، موضوع مورد اهمیت فرهنگ مهاجرت است و برای زنان، شبکه‌های خانوادگی اهمیت بیشتری دارد. حداقل سه نوع مهاجرت براساس انگیزه‌های اساسی فرض می‌شود. اول زنانی که در شغل خود دستمزد کافی ندارند، دوم زنان جوان‌تر و مدرن‌تر و سوم زنان محافظه‌کار مراکشی که تمایلی به مهاجرت ندارند و طبق میل شوهر یا خانواده رفتار می‌کنند. رینولدز^۳ (۲۰۰۶) با عنوان زنان حرفه‌ای نیجریه، اقتصاد خانوار و تصمیمات مهاجرت دریافتند بسیاری از مردان و زنان به‌منظور کسب شکلی از استقلال مالی ناشی از تعهدات خانوادگی با هم مهاجرت می‌کنند و مهاجرت، زنان را در معرض چالش قرار می‌دهد و نقش آن‌ها در بازتولید خانگی و اجتماعی - زمانی که از موقعیت‌های مختلف طبقاتی می‌آیند - نشان می‌دهد. زنان آفریقایی می‌توانند از موقعیت طبقاتی و سرمایه آموزشی - حرفه‌ای خود برای دورشدن از استثمار در کشورهای درحال توسعه استفاده کنند. هاتار پولار و همکاران^۴ (۱۹۹۵) با مطالعه استرس مهاجرت در میان زنان مهاجر اردنی در ایالات متحده نشان دادند این زنان در جست‌وجوی تداوم قومیتی و تلاش برای ایجاد آشنایی مجدد، چالش‌ها و استرس‌های زیادی را در کار خود تجربه کرده‌اند. آن‌ها شاهد تجربیاتی از قبیل احساس تنهایی و انزوای اجتماعی و عدم عضویت در جامعه میزبان، از بین رفتن ثبات خانوادگی، احساس ناهماهنگی به‌علت موانع زبانی و ازدست‌دادن پایگاه اجتماعی در اولین تلاش‌های سازگاری خود بوده‌اند.

1. Akter Hossen
2. Liesbeth Heering
3. Rachel R. Reynolds
4. Marianne Hattar-Pollara

تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های دیگر و در واقع جنبه نوآوری تحقیق این است که پژوهش حاضر به نحوه سازگاری با شرایط پس از مهاجرت و راهبردهای آنان برای زندگی به عنوان یک دختر مهاجر مستقل در شهر یزد می‌پردازد.

۲-۲. پیشینه نظری

در مورد مهاجرت، نظریه‌های متعددی وجود دارد که می‌تواند در توضیح مهاجرت زنان نیز به کار گرفته شود. از مشهورترین نظریه‌های مهاجرت، نظریه جاذبه-دافعه است. براساس این نظریه، آنچه زمینه مهاجرت را فراهم می‌کند، جذابیت‌های مقصد و کمبودهای مبدأ است. رانش‌ها و کشش‌های متنوعی در مبدأ و مقصد مهاجرتی وجود دارد که فرد را به ماندن در محل یا مهاجرت از آن برمی‌انگیزد. در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و چنانچه در مرحله بعد، شرایط و امکانات مناسب فراهم باشد و عوامل شخصی و موانع مهاجرت تأثیری بازدارنده اعمال نکنند، فرد مهاجرت می‌کند (Tabrizi et al., 2010).

ساستاد اقدام به مهاجرت را تابع محاسبه هزینه مهاجرت می‌داند. افراد زمانی اقدام به مهاجرت می‌کنند که مهاجرت برای آن‌ها دارای بازده اقتصادی باشد. براساس فایده-هزینه، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبدأ به علاوه هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار باشد. در غیر این صورت، حتی اگر درآمد قابل انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدأ باشد، مهاجرت صورت نمی‌پذیرد. هزینه‌های مهاجرت در این نظریه شامل هزینه‌های پولی مستقیم، غیرمستقیم و هزینه‌های روانی است که مجموع آن‌ها را هزینه‌های واقعی مهاجرت می‌نامند (Zanjani, 2001). تادنی و تودارو نیز معتقدند فرد مهاجر در تصمیم‌گیری خود به هزینه و فایده مهاجرت را ارزیابی می‌کند. زنجانی (۲۰۰۱) به ارجحیت زمانی، نرخ تنزیل و احتمال اشتغال در بخش نوین اقتصادی توجه کرده و معتقد است علی‌رغم بالابودن نرخ بیکاری در شهرها، احتمال اشتغال در شهر باز به مهاجرت می‌انجامد و زمانی که جمعیت مهاجر بیکار در شهر افزایش یابد، رکود مهاجرت از روستا به شهر صورت می‌پذیرد (Zanjani, 2001; 135). در سال ۱۹۸۴ تادنی و تودارو چهار نوع اصلی از مهاجرت زنان را با استفاده از معیار وضعیت تأهل و دلیل آن‌ها برای مهاجرت از همدیگر تفکیک کردند: ۱. زنان متأهلی که برای یافتن شغل مهاجرت می‌کنند؛ ۲. زنان مجردی که برای یافتن شغل مهاجرت می‌کنند؛ ۳. زنان مجردی که برای ازدواج مهاجرت می‌کنند؛ ۴. زنان متأهلی که در یک مهاجرت جمعی بدون توجه به شغل مهاجرت می‌کنند (Moshfegh, 2015).

براساس قوانین روانشتاین، مهاجرت اتفاقی نیست، بلکه قانونی خاص بر آن حاکم است. فاصله و مهاجرت (شدت مهاجرت بین دو نقطه با فاصله آن رابطه معکوس دارد) ارتباطات و مهاجرت (ارتباطات و توسعه آن، شناخت مهاجر را از محیط پیرامون را افزایش می‌دهد. هرچه ارتباطات گسترش یابد، مهاجرت‌ها نیز روبه‌افزایش می‌گذارد)، برتری انگیزه اقتصادی در مهاجرت (مهم‌ترین عامل برانگیزاننده مهاجرت است)، مهاجرت مرحله‌ای (مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر انجام می‌شود)، در جایی که مسافت کوتاه باشد، مهاجرت زنان بیشتر است. همچنین به‌نظر روانشتاین مهاجرت و جابجایی افراد رابطه مستقیم با فناوری دارد. افزایش امکانات و گسترش تولیدات و تجارب منتهی به افزایش مهاجرت می‌شود (Zanjani, 2001: 130).

در رویکرد فمینیسم، مهاجرت زنان فرصت‌هایی جدید برای بهبود زندگی آنان و تغییر روابط جنسیتی را فراهم می‌کند. بحث جنسیت و مهاجرت از موج دوم فمینیسم مورد توجه قرار گرفت. مرحله اول به دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد و هدف اصلی آن، برجسته‌کردن فقدان و بی‌توجهی به زنان در پژوهش‌های مهاجرت بود. مرحله دوم، پژوهش فمینیست‌ها درباره مهاجرت به دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ است که فمینیست‌ها به‌جای مقوله زنان بر جنسیت تأکید کردند. مطالعات فمینیستی استدلال می‌کنند نقش زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت کمتر از اثر واقعی‌شان نشان داده شده است (Mahmodian et al., 2017: 6). یکی از مسائل مرتبط با زنان مهاجر در دیدگاه فمینیستی، نابرابری و تبعیض علیه زنان در بازار کار است. در بحث نابرابری در بازار کار، به نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی، نابرابری دستمزد، محدودیت شغلی، بهره‌کشی از زنان و ناامنی در محیط کار اشاره می‌شود (Raheshkhoo et al., 2012: 92).

نقش‌ها و ایدئولوژی جنسیتی بر تصمیمات مهاجرتی زنان تأثیر می‌گذارد. زنان صرف‌نظر از منابع فردی‌شان، یک نقش تابع و فرمان‌بردار در تصمیم مهاجرت خانوادگی دارند. از این‌رو به احتمال زیاد تابع و همراه شوهرانشان در حرکات مهاجرتی باشند. علاوه بر نفوذهای جنسیت بر مهاجرت، مهاجرت نیز جنسیت به‌ویژه ساختارهای و هنجارهای جنسیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهاجرت می‌تواند منبع استقلال، اعتمادبه‌نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر برای زنان باشد. معمولاً زنان از جوامع سنتی و شهرهای کوچک به جوامع مدرن و شهرهای بزرگ می‌روند و با هنجارهای جدید مرتبط با حقوق و فرصت‌های زنان آشنا می‌شوند (Sadeghi et al., 2015: 58).

آنچه از مرور نظریه‌های مهاجرت در ارتباط با دختران و زنان می‌توان گفت این است که بخشی از مهاجرت زنان ناشی از جست‌وجوی منابع جدید و رفتن به دنبال جاذبه‌ها و کاهش هزینه زندگی و

افزایش بازدهی زندگی است. مهاجرت، دریچه‌ای برای گریز زنان از فشارهای نقش و نظارت‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی زنانه در جامعه است. همچنین مهاجرت زنان، منابعی تازه برای آن‌ها فراهم می‌کند و بر پایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش، دستیابی به تفسیر و فهم دختران از مهاجرت مستقل است. از همین‌رو، رویکرد کیفی در پارادایم تفسیری را برای مطالعه این پدیده انتخاب کردیم. برای اجرای پژوهش، از روش تحقیق کیفی عام^۱ (بنیادی) استفاده شد. این راهبرد به دنبال فهم پدیده و مفهوم‌سازی آن براساس تجربیات و دیدگاه کسانی است که پدیده را تجربه کرده‌اند (Merriam, 2016).

برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی^۲ استفاده شد. در نمونه‌گیری هدفمند که راهبرد اصلی نمونه‌گیری تحقیق کیفی است، نمونه‌گیری از اشخاص معین، بر پایه معیارهای معمول روش‌های آماری قرار ندارد و نمایان بودن نمونه، از طریق تصادفی بودن یا سهمیه‌بندی تضمین نمی‌شود، بلکه افراد برحسب میزان روشنایی بخشی احتمالی‌شان انتخاب می‌شوند (Flick, 2012: 138). در انتخاب نمونه‌ها پراکندگی همه‌جانبه در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدنظر قرار گرفت. با تفسیر و تحلیل گام‌به‌گام مصاحبه‌های قبلی، برای پیدا کردن مشارکت‌کننده بعدی اقدام می‌شد و با مشارکت‌کننده‌ها با سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز سایر ویژگی‌های زمینه‌ای مورد نظر مصاحبه انجام گرفت. درنهایت، براساس نمونه‌گیری نظری تحقیق، ۱۸ نفر برای مصاحبه‌ها انتخاب شدند. نمونه‌گیری زمانی پایان یافت که از نمونه‌های جدید اطلاعات تازه‌ای به دست نمی‌آمد و اشباع نظری^۳ صورت گرفته بود.

جدول ۱. فهرست مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	شغل
۱	زن	۲۴	لیسانس حقوق	کافه‌دار
۲	زن	۳۵	دیپلم	آزاد
۳	زن	۳۳	فوق لیسانس معماری	معمار
۴	زن	۲۶	لیسانس مرمت	آزاد
۵	زن	۳۷	لیسانس نقاشی	فروشنده
۶	زن	۳۹	لیسانس مدیریت	کارمند

1. Generic(Basic) Qualitative research

2. Snowball Sampling

3. Theoretical Saturation

ردیف	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	شغل
۷	زن	۳۴	لیسانس هنر	گرافیسیت
۸	زن	۳۹	لیسانس معماری	معمار
۹	زن	۲۵	لیسانس ادبیات	بازیگر تئاتر
۱۰	زن	۲۸	لیسانس برنامه‌ریزی شهری	آزاد
۱۱	زن	۳۶	لیسانس هنر	فروشنده
۱۲	زن	۳۵	لیسانس مدیریت	پیمانکار
۱۳	زن	۳۳	لیسانس هنر	فروشنده صنایع دستی
۱۴	زن	۳۴	فوق‌لیسانس حسابداری	کارمند بخش خصوصی
۱۵	زن	۲۵	لیسانس ریاضی	حسابدار
۱۶	زن	۳۷	لیسانس تاریخ	کارمند
۱۷	زن	۲۷	ارشد معماری	کارمند بخش خصوصی
۱۸	زن	۳۰	دانشجو	آزاد

منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۱. شیوه گردآوری داده‌ها: تکنیک مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. در حین پژوهش با توجه به شرایط شرکت‌کنندگان و تجربیات خاص هرکدام، در مصاحبه تغییراتی ایجاد شد تا نتیجه بهتر و مشارکت باکیفیت‌تری حاصل شود. نخست مشارکت‌کننده مناسب تحقیق براساس شیوه‌های نمونه‌گیری که قبلاً توضیح داده شد، شناسایی می‌شد. پس از جلب اعتماد و معرفی هدف و ماهیت تحقیق، وقت و مکان مصاحبه براساس رضایت مشارکت‌کننده مشخص می‌شد. بیشتر مصاحبه‌ها در دور اول و در بازه زمانی یک‌و نیم ساعت تا دو ساعت انجام گرفت. فقط چند مصاحبه محدود و با رضایت و صلاحدید مشارکت‌کننده در دور دوم انجام شد. مصاحبه با سؤالات کلی شروع می‌شد. به همین ترتیب با سؤالات باز به جزئیات رفتیم و در راستای سؤالات و اهداف پژوهش، فرایند مصاحبه را هدایت کردیم. مصاحبه‌ها با توافق مشارکت‌کنندگان ضبط شد و درعین حال برای اینکه پاسخ‌دهنده احساس احترام کند، تا جایی که ممکن بود، صحبت‌ها یادداشت شد. در ختم مصاحبه‌ها، از مشارکت‌کننده‌ها سپاسگزاری شد و زمان برای تطبیق متن مصاحبه با منظور و هدف آن‌ها در جریان صحبت‌ها، وقت بعدی مقرر شد. سپس متن مکتوب مصاحبه به آن‌ها داده شد و پس از تأیید نهایی در فرایند تحلیل و تفسیر قرار گرفت.

۳-۲. تحلیل داده‌ها: فرایند کدگذاری در چارچوب کدگذاری داده‌بنیاد (Charmaz, 2015: 50) انجام گرفت. نخست، متون کلی مصاحبه‌ها خوانده شدند و مقوله‌های کلی و مفاهیم اساسی استخراج شد. سپس دوباره به متن داده‌های مصاحبه‌ها مراجعه و سعی شد تعداد مقوله‌ها کاهش یابد. این

فرایند چندین بار به‌طور رفت‌وبرگشتی از داده‌ها تا مقوله‌ها ادامه یافت. شیوه رفت‌وبرگشت از داده‌ها به مقوله‌ها و برعکس، به‌وسیله کدگذاری سطر به‌سطر انجام گرفت.

۳-۳. اعتبارپذیری: مکالمات با دقت ضبط شد و همچنین با رعایت اصول اخلاقی نگارش شد. به تفکیک سؤال، مشارکت‌کنندگان طبقه‌بندی شدند و می‌توان در صورت نیاز در اختیار خوانندگان قرار داد. از تکنیک‌های کنترل همتایان و کنترل اعضا نیز برای اطمینان از باورپذیری داده‌ها استفاده شد. در فرایند تحلیل، کدها و مقوله‌های اصلی در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و توسط آن‌ها ارزیابی شد.

۳-۴. ملاحظات اخلاقی: از اصولی مانند محرمانگی که با حفظ ناشناختگی هویت افراد مربوط است و با استفاده از نام مستعار برای مشارکت‌کنندگان، سعی در حفظ این اصل داشتیم و ضمن رعایت حریم شخصی افراد، به‌صورت خصوصی تماس صوتی صورت گرفت. از پرسیدن اطلاعات جزئی خودداری و فضای دوستانه و اعتماد مشارکت‌کنندگان ایجاد شد. اصل رازداری نیز رعایت شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

متن مصاحبه‌ها را پس از مکتوب‌کردن و کدگذاری در قالب مفاهیم و مقوله‌ها دسته‌بندی کردیم. در این فرایند ۱۳۰ مفهوم اولیه به‌دست آمد که براساس شباهت معنایی در قالب هفت مقوله اصلی دسته‌بندی شد. مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از: ترجیح غریبی، تأمین شغلی/مالی، ذائقه زیست مستقل، فشار و کنترل خانواده، ارتقای شخصی، فاصله‌گذاری اجتماع میزبان، کژسازگاری و تنگنای اسکان. درنهایت براساس وجه غالب گفته مصاحبه‌شوندگان و جمع‌بندی مقوله‌های اصلی، چرخه زیست-هویت ناپایدار (دوپاره) به‌عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد.

جدول ۲. خلاصه مفاهیم و مقوله‌ها

مفاهیم	مقوله
ابراز وجود، پوشش دلخواه، آزادی عمل، گمنامی، رفتار بدون ترس، احساس آزادی، لذت تنهایی، رهایی از نظارت، احساس راحتی، کاهش محدودیت، دوری به‌خاطر طلاق، آرامش در غربت	ترجیح غریبی
پیشرفت کاری، موقعیت شغلی، دسترسی به شغل مناسب، گریز از بیکاری، تأمین مالی، اولویت تأمین مخارج، دغدغه درآمد، شرایط سخت اقتصادی، جست‌وجوی امنیت مالی	تأمین شغلی/مالی
احساس آزادی شخصی، ساختن حریم خصوصی، تجربه استقلال، استقلال مالی، عادت به زندگی مستقل، استقلال طلبی، زندگی مستقل از خانواده، لذت تجربه زندگی مستقل، فرصت خودسازی	ذائقه زیست مستقل
مشکل با مادر، دورشدن از خانه، درک‌نشدن، فرار از خانواده، تنش خانوادگی، شرایط شغلی، رضایت دوره دانشجویی، دورشدن به‌خاطر طلاق، نارضایتی از خانواده	فشار و کنترل خانواده

مفاهیم	مقوله
افزایش صبر، مراقبت از خود، ترسیدن از زندگی مستقل، تقویت توانایی، کنار آمدن با تنهایی، مقابله با ترس از تنهایی، افزایش اعتماد به نفس، تجربیات خودسازی، یادگیری حمایت از خود، خودمراقبتی، احساس توانمندی، تغییر ذهنیت بد، فروریختن ذهنیت منفی از مهاجرت، کسب تجربیات مؤثر	ارتقای شخصی
اعتماد نکردن به مهاجر، تفاوت بین مهاجر و بومی، پیشرفت کمتر مهاجر، برتری تأهل بر مجرد، عدم اعتماد، آزار در محیط کار، حفظ فاصله با مهاجر، سودجویی دیگران، بی‌اعتنایی، منفعت در روابط، در نظر گرفتن منافع در دوستی، عدم پذیرش، بی‌اعتمادی به غریبه، ازدواج درون‌گروهی	فاصله‌گذاری اجتماع میزبان
پنهان‌کاری، کاستن روابط مؤثر، ناامنی، تعرض به حدود خصوصی، مشاجرات روانی همسایگان، طردشدگی، ساختن هویت جعلی، بازی نقش، کاهش توقعات مالی، پول‌محوری، روابط سودجویانه، بدرفتاری، تضعیف روحیه، عدم هدفمندی، ریسک نابه‌جا، روابط عاطفی پرخطر، پذیرش اجبار، رفتار نامطلوب، هنجارگریزی	کژسازگاری
اجاره‌ندان خانه به‌مجرد، مشکل اجاره منزل، تنش با صاحب‌خانه، کنج‌کاو همسایه، دخالت اطرافیان، تجسس دیگران، تنش با همسایه، کنج‌کاو همسایه‌ها، پنهان کردن تنهایی، عجیب‌بودن تنها زندگی کردن، ناامنی در روابط، آزار جنسی، روابط موقت، نگاه منفی به زن مطلقه	تنگنای اسکان

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۱. ترجیح غریبی

زندگی در شهر ناآشنا از نظر دختران مهاجر مشارکت‌کننده مزیت‌هایی دارد. جایی زندگی می‌کنند که کسی آن‌ها را نمی‌شناسد، در این جمع غریبه غرق می‌شوند، گمنام زندگی می‌کنند، کسی از گذشته‌شان اطلاعی ندارد، نمی‌دانند کیستند، کجا می‌روند و می‌آیند. گم‌شدن در ازدحام در میان افراد غریبه، نوعی اختیار و آزادی عمل برای آنان به همراه دارد. در محیط زندگی خود به دنبال آن بوده‌اند که به شکلی زندگی کنند که کسی در زندگی آنان تجسسی نکند و با خیال آسوده رفتار کنند یا حرف بزنند که موجب نگرانی برای آنان نشود. از دلایل مهاجرت، رهاشدن از محدودیت است: محدودیت‌های اجتماعی، خانوادگی یا شخصی و رفتن به‌جایی که ناشناختگی میزانی از رهایی را تأمین کند. مشارکت‌کنندگان تصور می‌کنند زندگی در شهر غریب به آن‌ها اجازه ابراز خود واقعی‌شان را می‌دهد و می‌توانند بدون تظاهر، آن‌گونه که میل دارند رفتار و تعامل کنند. در واقع غریبی و دوری از چشم آشنایان به آن‌ها فرصت ابراز خویشتن را می‌دهد. غربت، اجازه بروز خودآرمانی واقعی را فراهم می‌کند و فرد می‌تواند بدون صرف انرژی برای ریا یا تظاهر در جامعه رها شود؛ به‌عنوان مثال خود بودن در طرز پوشش که جزو شخصی‌ترین مسائل است، در جامعه آشنا دارای محدودیت است. رفت‌وآمد شغل یا حتی ریزترین مسائل شخصی نیز در محیط‌های آشنا مورد تردید و سوءظن است که بار روانی زیادی

برای شخص در پی دارد. تنهایی و فرار از ازدحام و فرصت خلوت با خود در عین آزادی به اختیار عمل منتج می‌شود:

«همچین حق کوچیکی هم من نداشتم. اونجا توی شهر خودم باید از خودم می‌گذشتم. از سلیقه‌م، از عقاید، از رفتارم، از همه چیم که چی؟ طبق رسم و رسوم دختر خوبی باشم. دختر خوب بودن از نظر من اینه که بتونم به جایی برسم. اصلاً نرسیدم حداقل تو راهش یه تلاشی بکنم. نه به خاطر حرف چهار تا آدم بدون منطق بخوام از خودم بگذرم، از آینده بگذرم.»

«اونجا همه‌ش باید انرژی و فکرتو بذاری سر اینکه مثلاً یه کاری نکنم که هی بحث بشه. توی حاشیه زندگی می‌کنی. وسط زندگی خودت اختیارشو نداری. وقتی تنهایی دیگه اون وقت و انرژی رو می‌ذاری واسه چیزهای مهم‌تر. مثلاً یادگرفتن یا ورزشت. هرچیزی که حالتو بهتر می‌کنه و تو می‌شی به نسخه بهتر از اون چیزی که بودی.»

غربت با وجود داشتن بار منفی ذهنی، در شرایط مهاجرت برای دختران دارای مزیت است؛ چرا که این ناشناس بودن موجب راحتی و آرامش بیشتری می‌شود و زندگی را در شرایط مهاجرت راحت‌تر می‌کند. چالش‌های زندگی در شرایط محیطی زادگاه موجب مشکلات روانی و خانوادگی می‌شود که خود زمینه‌ساز شکل‌گیری مهاجرت است. در زمان وارد شدن به شهر جدید، این ناشناخته بودن به دلیل کاهش دخالت‌ها و آزادی عمل بیشتر موجب تمایل به ماندن شده که با وجود شرایط سخت باز هم ترجیح بر ماندن و غریبگی مزیت محسوب می‌شود. این مقوله دارای چهار مقوله فرعی آسودگی حاصل از گمنامی و تمایل به ماندن است.

۴-۲. تأمین شغلی/مالی

در تنگنای اقتصادی کشور و دشواری معیشت، تأمین مالی از دلایل اصلی مهاجرت مستقل دختران است. دلیل مشارکت‌کنندگان برای انتخاب شهر یزد نیز مناسب بودن شرایط کاری و ارزان‌تر بودن هزینه زندگی است. دستیابی به استقلال مالی از هدف‌های اصلی مهاجرت دختران و تأمین هزینه‌ها و داشتن درآمد مناسب از دغدغه‌های اصلی آنان است. می‌خواهند به اصطلاح دستشان در جیب خودشان باشد و اگر می‌خواهند برای خود تصمیمات مالی در درآمد و هزینه داشته باشند، به کسی نیازمند یا پاسخگو نباشند و آزادانه عمل کنند. از نکات مهمی که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کردند، ابتدا پیدا کردن شغل و سپس اقدام به مهاجرت بوده که در مضیقه مالی گرفتار نشوند؛ چرا که حمایت خاصی دریافت نخواهند کرد و ممکن است در این فرایند با شکست مواجه شوند. سخت شدن زندگی و کاهش درآمدها از دلایلی است که خانواده‌ها راحت‌تر با مسئله مهاجرت کنار می‌آیند و

به دلیل تأمین مسائل مالی و کاهش بار مالی بر دوش خانواده، موافقت خود را با این امر ابراز می‌کنند. پاسخ به ضرورت‌های مالی از اولویت‌های دختران است که با اشتغال می‌توانند برای آن برنامه داشته باشند و زندگی راحت‌تری را تجربه کنند. فرصت کاری، اولویت تأمین مالی، دشواری تأمین مخارج و اولویت مالی از مقوله‌های فرعی تأمین مالی است:

«من اومدم دستم تو جیبم باشه. به خاطر اون محیط کار و همسایگی رو تحمل می‌کنم. اون مزاحمت‌ها و سختی‌ها رو که نیازی به کسی نداشته باشم.»

«یعنی بین اینکه کار مهمه یا جای اینجوری کارکردن به خاطر جورکردن پول رهنم موندم و خیلی روانم درگیر بود و اذیت می‌شدم. داشتم دیوونه می‌شدم. حس بی‌په‌ودگی می‌کردم. اما خب موندم. تا اینکه این شرکته زنگ زد و من رفتم اینجا و یک ساله هستم و بازم با وجود تفاوت‌ها و تبعیض‌ها مونده‌م. چون شغلم رو دوس دارم.»

تأمین مالی اولین و مهم‌ترین دغدغه دختران مهاجر است که باید قبل از اقدام به مهاجرت برای آن تدبیری بیندیشند. حتی ممکن است برای تأمین مخارج اولیه و ضروری ناچار به اشتغال کاذب یا مخرب باشند. در بعد دیگر این مسئله به شدت از نظر روانی آنان را تحلیل می‌برد و مانع پیشرفت مالی می‌شود و درج‌زدن در زندگی تنها را به ارمغان می‌آورد.

۴-۳. دانفقه زیست مستقل

با زندگی در شهری که فرد را نمی‌شناسند، زندگی مستقل برای دختران مهاجر دلچسب می‌شود. کشف و رسیدن به مسیر دلخواه، امتیاز ویژه‌ای است که دختران تنها را از شهر خود خارج کرده است. رفت‌وآمد، خوراک، پوشاک، سفر و ارتباطات و هر مسئله دیگری که در قبال آن نیاز به پاسخگویی نیستند، از صحبت‌های دختران در این پژوهش است که اهمیت داشتن استقلال و اختیار زندگی شخصی را بازگو می‌کند. زمانی که استقلال کشف می‌شود و زندگی آسوده‌تری را تجربه کنند، برای حفظ این زیست مستقل از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند؛ مخصوصاً زمانی که از بعد روانی نیز در آرامش بیشتری هستند. استقلال به معنی بی‌نیازی از هر شخص دیگری و انتخاب مسیر دلخواه زندگی، از دلایل مهم و اصلی تصمیم مهاجرت است که در جنبه مادی و عاطفی دارای اهمیت بسیاری است. تلاش برای به دست آوردن استقلال نامحدود و حفظ و تداوم آن و نگه داشتن قدرت حاصل از این استقلال و ثبات فردی ادامه دارد. از مهم‌ترین پیشنهادها برای دختران در این پژوهش با وجود تمام سختی‌های مهاجرت این بود که دیگر دختران نیز حتماً این نوع زندگی مستقل را تجربه کنند تا لذت آن را در کنار تحمل سایر مشکلات بچشند. استقلال فردی و عزت و اعتمادبه‌نفس به

همراه استقلال کشف شده مزیتی بسیار مهم برای آنان به شمار می آید. این استقلال به معنی عدم وابستگی به دیگران است و نه فراموشی یا بی‌نیازی از خانواده یا جامعه.

«تجربه این زندگی سختم رو دوست دارم. لذت می‌برم که بهم نشون می‌ده قوی‌ام، می‌تونم ادامه بدم. انگار بیشتر زندگی می‌کنم اینجا و طعم زندگی رو می‌چشم. همین کاری که دارم برایش تلاش می‌کنم. حس خیلی خوبیه این تجربه سخت.»

«با اینکه خیلی سخت، ادامه‌دانش حس قوی بودن می‌ده به آدم. استقلالی که داری، توی هر زمینه‌ای خودش یه برد بزرگه. می‌تونی برگردی بگی دیدی مثلاً مهاجرت من بد نبود، تونستم از پس سختیاش بریام... و دیگه سرزنش نمی‌کنن که تشویق هم می‌شی و خیلی این حس خوبیه.»

با تجربه یک زندگی بدون نظارت و با سبک دلخواه، این دختران دیگر حاضر نیستند به شرایط زیست قبلی در خانواده برگردند، حتی اگر مجبور به تحمل بی‌پولی یا تنهایی و تجربه مخاطرات دیگر باشند. رنج تنها ماندن را به آرامش صوری امنیت خانوادگی ترجیح می‌دهند و از ماحصل این هجرت، آرامش نسبی کسب می‌کنند.

۴-۴. فشار و کنترل خانواده

خانواده بستر اصلی و بنیادین احساس امنیت و آرامش برای فرد است، اما با بالا رفتن سن و تغییر ایدئال‌های زندگی، دنیای مشترک ذهنی و سبک فکر و زندگی والدین و فرزندان از هم فاصله می‌گیرد و درک و همدلی کاهش می‌یابد. خانواده که باید محل آسایش باشد، به محلی پر از تنش روانی و دور شدن فرزند از والدین تبدیل می‌شود. تفاوت ایدئال‌ها و دنیای ذهنی دختران با خانواده خصوصاً مادرهایشان دارای بعد آسیبی بیشتری است که دیگر امنیت و آرامش را از طرف آنان دریافت نمی‌کنند و مانند غریبه‌ها در کنار هم زندگی می‌کنند. این مسئله که همواره والدین تلاش می‌کنند آنچه خود دوست داشته‌اند و اتفاق نیفتاده را در زندگی فرزندان خود جبران کنند، محل بحث و مجادله بوده است. داشتن شغل دولتی یا ازدواج که ایدئال والدین است، در زندگی‌های امروزی از لیست اهداف فرزندان حذف شده و نمی‌توان انتظار داشت که از خودگذشتگی کنند و به دنبال علایق خانواده بروند. در سایر شکل‌های تنش خانوادگی و مشکلات ازدواج یا زندگی پس از طلاق و... توان زندگی با پدر و مادر کم و نیاز به دور شدن از محیط خانواده احساس می‌شود. شکاف نسلی که همواره مورد پژوهش واقع شده، خود دلیلی بر صحت این مسئله است که والدین در فرزندان خود به دنبال آرزوهای محقق نشده خود هستند. فرزندان نیز از درک این مسئله و انجام آن سر باز می‌زنند؛ چرا که جامعه نیازهای جدیدی در آنان ایجاد کرده که بسیار متفاوت با نیازها و تمایلات خانواده است.

کاریابی، تحصیل (آبرومندانه‌ترین روش مهاجرت برای دختران و خانواده آنان) و همچنین داشتن سابقه دانشجویی یا زندگی مستقل، در راحت‌تر انجام‌شدن این فرایندها مؤثر است. مقوله‌های فرعی در این بخش شامل تنش خانوادگی، اثرگذاری تجربه مشابه و کشمکش و مخالفت خانواده است:

«وقتی برگشتم خونه از دانشگاه، انگار دیگه نمی‌تونستم با خانواده‌م مثل قبل باشم. من فرق کرده بودم. طرز فکر، رفتارم، کلامم، نگرش‌م. حس می‌کردم قبلاً چطوری باهاشون زندگی کرده‌م. اصلاً به قرن شکاف بود.»

«بار روانی مهاجرت از وقتی فکرشو کردم تا رضایت خانواده تا پیام تا خونه بگیرم وسیله بچینم، واقعاً منو ذله کرد. بعد کم‌کم خوب شد شرایط. همه‌ش استرس داشتم نکنه نشه، نکنه کم بیارم، نکنه اذیتم کنن. همه‌ش ازین فکرها که تهش خوب شد. با تمام سختی‌هاش رو روال افتادم.»

از مهم‌ترین علل تصمیم به مهاجرت دختران مستقل، اختلاف باور و عقیده با خانواده است که زندگی در این شرایط برای آنان قابل تحمل نیست و برای حل این معضل به مهاجرت فکر می‌کنند؛ مهاجرتی که باید ظاهری از موفقیت مثل قبولی دانشگاه در مقطع برتر یا وجود عضوی از خانواده در شهر مقصد یا تجربه مشابه فردی از خانواده را در خود داشته باشد. لزوم همکاری و همدلی خانواده در شرایط پس از تحصیل دختران در این مورد به‌خوبی مشخص است که نتیجه آن آموزش خانواده‌ها در نتیجه بروز این شرایط است.

۴-۵. فاصله‌گذاری اجتماع میزبان

بی‌اعتمادی و در حاشیه نگه‌داشتن فرد مهاجر موجب طرد او و سرانجام بی‌اعتنایی فرد به شغل یا جامعه می‌شود. در این شرایط، پیشرفت فرد مهاجر کم یا غیرممکن می‌شود و صرفاً در حد رفع نیازهای اساسی باقی می‌ماند. بیگانه‌ماندن در غربت، از نظر روانی نیز تأثیر بسیار مخربی بر فرد می‌گذارد و نبود همدلی از مصادیق این امر است. از مقولات فرعی این مورد می‌توان به تبعیض، فرسایش اعتماد، عدم همدلی و منع ازدواج اشاره کرد:

«آدم‌ها به‌خاطر سخت‌تر شدن زندگی اعتماد نمی‌کنن. رات نمی‌دن به روابط صمیمی یا محیط شخصی خودشون، مگر اینکه کسی مثل خودت مهاجر باشه. باهات خوب باشه، درکت بکنه. وگرنه با یزدی‌ها به نظر من و تجربه‌ای که داشته‌م، نمی‌شه خیلی صمیمی شد. یعنی باهات صمیمی نمی‌شن خودشون.»

«همه جای دنیا بد و خوب هست. منم اینجا هم بد دیده‌م هم خوب. اما از تصویری که قبل مهاجرت نسبت به یزد داشتم عوض شد ذهنم. اونقد مهربون نبودن بی‌چون وچرا که فکر می‌کردم. به

جورهایی با اما و اگر همراهم بودن، مثل معامله. من فلان کارو برات کردم که تو هم فلان کنی. همچنین چیزی نمی‌دونم شاید همه جا همین باشه.»

«اصلاً خوب نیست. باید کسی رو داشته باشی که روال زندگیت بگذره. خیلی طول می‌کشه تا به‌عنوان شهروند بپذیرنت، ولی درنهایت بازم به مهاجر و غیرزیدی هستی که به موقعش اینو بهت یادآوری می‌کنن.»

مهاجرماندن در مدت طولانی پس از مهاجرت موجب ایجاد فاصله و شکاف بین میزبان و مهاجر می‌شود که شرایط زیست دختران مهاجر را سخت‌تر می‌کند. همچنین میزان آسیب‌های اجتماعی وابسته به مهاجرت مثل ایجاد مرز و عدم پذیرش در اجتماع خودی، روابط سطحی اجتماعی و بی‌اعتنایی و بازی نقش این دو قشر در تقابل با هم را افزایش می‌دهد که این مسئله نیز خود سبب بار روانی زیادی بر دوش دختر مهاجر می‌شود.

۴-۶. گزسازگاری

وجود شرایط بد زمینه‌ای در مقصد و چالش‌های فراوان برای ادغام در بستر اجتماعی جدید موجب می‌شود دختران مهاجر برای بقا در شرایط نامطلوب فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی درگیر روابط ناسالم در محل کار، زندگی و حتی روابط عاطفی شوند و هویت ساختگی برای خود قائل شوند تا به‌عنوان مثال در اجاره منزل یا دستیابی به موقعیت کاری بهتر موفق باشند. در شرایط مالی سخت مجبور به کاستن از انتظارات خود شوند و با حداقل‌ها زندگی کنند. پول را مبنای همه روابط و زندگی قرار دهند و خود را در حلقه‌های منفی هویت‌های جعلی و بازی نقش، گیر بیندازند:

«وقتی می‌گی مجرمم برای گرفتن خونه انگار که جرمه. می‌دونی... انگار، هم براشون یه گزینه‌ای، هم اینکه بهت خونه نمی‌دن. عجیب غریبه.»

«سوالاتی که مدام می‌پرسن مثلاً چرا اومدی؟ چرا موندی؟ یه جور دخالتی دیگه. نقش پرسشگرانه اجتماع اذیت‌کننده‌ست. مگر اینکه هویتت رو پنهان کنی. وقتی می‌فهمن تنهایی دیدشون عوض می‌شه. توی بحث حق و حقوقت اجحاف می‌شه و نتیجه می‌گیری نگی که تنهام. الکی بگی با خانواده‌م که هم امنیته رو داشته باشی، هم حس کنن کسی رو داری اینجا، یه کم بهتر باهات برخورد می‌شه.»

دختران تنها به‌ناچار برای ادامه زیست مستقل باید در قالب‌های مختلف نقش بازی کنند تا با کمترین دردسر و دخالت و بیشترین امنیت ساخته‌شده در بستر جدید خود سازگار شوند.

۴-۷. تنگنای اسکان

نحوه سکونت در زندگی یک دختر مهاجر بسیار پیچیده و سخت‌تر از افراد عادی دیگر است؛ خصوصاً که در شهر یزد با وجود دیدگاه سنتی به دختران تنها، این مشکل دوچندان شده است. بنا بر اظهارات مشارکت‌کنندگان، برای اجاره منزل خود مجبور به بازی نقش و پنهان‌سازی شده‌اند. اجاره‌ندان خانه به مجرد، بروز مزاحمت در خلال این روند با مشاوران املاک، ایجاد مزاحمت و کنترل‌گری همسایه‌ها از مشکلات دختران تنها در این مورد است. پنهان کردن تنهایی و اجاره منزل به نام مادر یا پدر، از روش‌های دورزدن این محدودیت‌ها توسط دختران است. در مرحله بعدی، وجود اطرافیانی در محل زندگی موجب اختلال امنیت و آسایش است که درنهایت به برخورد کلامی بین آنان منجر شده است. بالارفتن اجاره‌بها و هزینه‌های زندگی مخصوصاً گران‌بودن شهر یزد از منظر اقتصادی، معضل سکونت و ماندن را دامن می‌زند. این مسئله به همراه نگرانی مالی و همچنین مشکلات هم‌خانه‌شدن با افراد ناشناس که خود عامل ایجاد مشکلات ثانویه بیشتر خصوصاً از نظر روانی است، از مهم‌ترین دل‌نگرانی‌های دختران تنها عنوان شده است.

«چون می‌خواستم تنها باشم و مستقل، از هیچ‌کسی کمک نگرفتم. خودم تنهایی دنبال خونه رفتم. این تنهایی گشتن شد اینکه به مجرد خونه نمی‌دن. خیلی راحت پیدا نمی‌شه. بحث اعتمادنکردن به مجرد بود. مخصوصاً اینجا وقتی می‌فهمم برای جای دیگه هستی، من خیلی متلک و این‌ها می‌شنوم. خب مثلاً چرا انقدر دیر به دیر می‌ری؟ خب من اگه بخوام برم خونه باید یک هفته وقت بذارم. یک ماه دو بار شده رفتم خونه، خیلی‌ها میگن عه با خانواده‌ت مشکل داری که نمی‌ری خونه. خانواده‌ت نمی‌گن دختری دارم توی شهر غریب. می‌گن حتماً یه مشکلی داری که داری اینجا زندگی می‌کنی و نمی‌ری خونه و شهر خودت. هرچقدر هم بخوای بگی من می‌خوام مستقل باشم و دستم تو جیب خودم باشه درک نمی‌کنن.»

«وقتی می‌فهمم تنهایی دیدشون عوض می‌شه. توی بحث حق و حقوق اجحاف می‌شه و نتیجه می‌گیری نگی که تنهام. الکی بگی با خانواده‌م که هم امنیتیه رو داشته باشی، هم حس کنن کسی رو داری اینجا، یه کم بهتر باهات برخورد می‌شه.»

نتیجه سکونت نامناسب از ابتدای پیداکردن خانه مناسب تا پرداخت اجاره‌بها و سایر مشکلات عنوان شده درنهایت موجب می‌شود شکلی از سکونت جدید در نتیجه مشکلات مالی و افزایش هزینه‌ها به وجود بیاید که زندگی کردن با پسر از دل این معضلات بیرون می‌آید و خود آسیب جدیدی محسوب می‌شود.

۴-۸. مقوله مرکزی، چرخه زیست ناپایدار/ هویت دوباره

برآیند تفسیر الگوهای زندگی دختران مهاجر را می‌توان در قالب مقوله هویت دوباره جمع‌بندی کرد. چنین هویتی در چرخه‌ای از زیست ناپایدار شکل می‌گیرد. زیست ناپایدار به این معنا است که در فرایند مهاجرت، ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی این دختران همراه با نااطمینانی و ناپایداری است. در این چرخه، هر بخشی از نااطمینانی‌ها و ناپایداری‌ها بر ابعاد دیگر تأثیر دارد و یکدیگر را از این طریق تقویت می‌کنند. وضعیت پاندولی یا چرخه ناپایداری از مبدأ تا مقصد زندگی دختران را تحت تأثیر قرار داده است. ناپایداری در مبدأ زمینه مهاجرت را فراهم می‌کند، نبود حمایت و پذیرش در مقصد این ناپایداری را دامن می‌زند، اقدام به مهاجرت، بازگشت را دشوار می‌کند و مجدداً بر مشکلات و ناپایداری در مبدأ می‌افزاید. دختران مهاجر در بحبوحه چنین چرخه‌ای زندگی و هویت خود را سامان می‌دهند. زندگی در مبدأ ناپایدار و تحت فشار است. زندگی در مقصد نیز در ابعاد مختلف ناپایدار و پرمخاطره است. دختران مهاجر زندگی خود را بین دو کمان ناپایداری سامان می‌دهند: ناپایداری در مبدأ و ناپایداری در مقصد. معمولاً از زمینه اجتماعی ناپایدار به امید رسیدن به پایداری در مقصد مهاجرت می‌کنند، اما در مقصد نیز زمینه و دلایلی برای ناپایداری وجود دارد. در این تونل زندگی ناپایدار، هویتی ناپایدار و دوباره را برمی‌سازند؛ هویتی که داری ابعاد دلخواه و غیردلخواه است: مجموعه‌ای از آنچه می‌خواهند و آنچه نمی‌خواهند باشند. می‌خواهند مستقل باشند و آن‌گونه که ترجیح می‌دهند زندگی کنند. اما زمینه فرهنگی متفاوت و زندگی در تجرد و تنهایی، آن‌ها را به سمت بازی نقش، پنهان‌سازی و کنش‌هایی سوق می‌دهد که دلخواه آن‌ها نیست. هویتی می‌سازند که هم‌زمان دارای جنبه‌های دلخواه و غیردلخواهشان است؛ هویتی دوباره. یکی براساس خواسته و شخصیت خود و دیگری براساس خواسته جامعه میزبان و شرایطی که ناگزیر به سازگاری با آن هستند. در نتیجه این شرایط، آن‌ها تنش را تجربه می‌کنند. تنش بین آنچه هستند و آنچه می‌نمایند.

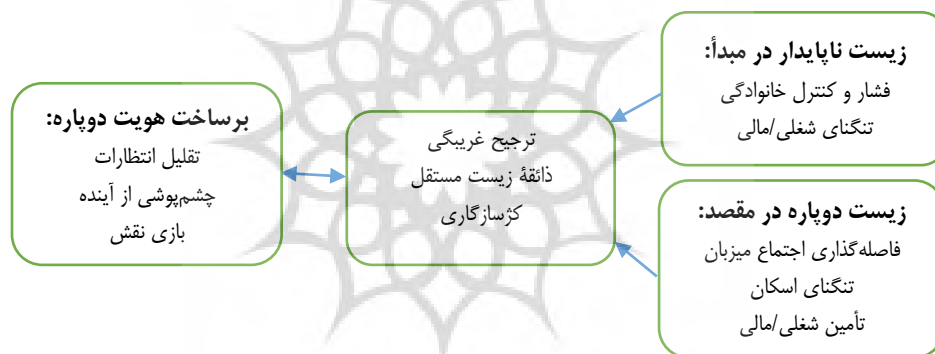
ارتباط مقوله‌ها و مؤلفه‌های برآمده از داده‌ها را می‌توان در قالب مدل زیر با یکدیگر ارتباط داد.

زیست ناپایدار در مبدأ: منظور این است که زنان مهاجر مستقل، قبل از اقدام به مهاجرت در مبدأ یعنی محل زندگی خود درگیر ناپایداری بوده‌اند و همین ناپایداری زمینه مهاجرت را فراهم کرده است. بستر ناپایدار، مهم‌ترین نیروی پیشران مهاجرت آن‌ها شده است. هنوز هم زنان به راحتی حاضر نیستند مهاجرت کنند، اما فشار و نظارت و رخدادهای منفی و فشارزا و ناپایدارسازی مثل طلاق و بیکاری و نیازهای معیشتی، پیشرانی قوی برای تصمیم و اقدام اولیه مهاجرت است.

زیست دوپاره در مقصد: منظور از زیست ناپایدار در مقصد، تجربه‌های مثبت و منفی هم‌زمان زنان مهاجر در مقصد است. آن‌ها با مهاجرت به دستاوردهای مهمی مثل شغل و تأمین معاش دست می‌یابند، اما تجربه‌های منفی نیز دارند، مثل مشکلات اسکان و خانه‌گرفتن و نظارت شدید جامعه میزبان و نگرش منفی به زنی که مهاجرت مستقل کرده و تنها زندگی می‌کند؛ بنابراین زندگی این زنان دو بعد منفی و مثبت پیش‌روی آن‌ها می‌گذارد.

ترجیح غریبی و زیست مستقل: در شرایط جدید زنان عادت می‌کنند مستقل زندگی کنند. خودشان هزینه زندگی خودشان را تأمین و دور از نظارت دیگران زندگی کنند. این ذائقه، از بازگشت آن‌ها جلوگیری می‌کند.

برساخت هویت دوپاره: برآیند مجموع شرایط و تعاملات و فرایندها، زنان را درگیر ساخت هویتی دوپاره می‌کند؛ هویتی ناپایدار و دوپاره که برای سازگاری با بستر زندگی جدید می‌سازند.



شکل ۱. مدل مفهومی حاصل از یافته‌های پژوهش

۵. بحث

این پژوهش با هدف بررسی تفسیر و فهم دختران و زنان از مهاجرت مستقل به شهر یزد اجرا شد. متن مصاحبه با زنان مشارکت‌کننده در قالب هفت مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی جمع‌بندی و تحلیل شد. بررسی تجربه مشارکت‌کنندگان نشان داد آن‌ها به دلایلی از جمله تحصیلات دانشگاهی، پیدا کردن شغل، تجربه مهاجرت یکی از اعضای خانواده به یزد و رهایی از فشار اجتماعی خانواده و اطرافیان، تصمیم به مهاجرت مستقل گرفته‌اند. رخدادهایی مثل طلاق و دوری‌جستن از شرایط تنش‌زای پس از طلاق از همین دسته است. بعد از مهاجرت، ذائقه زندگی مستقل در مشارکت‌کنندگان شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود و همین زمینه ماندگاری آن‌ها را فراهم می‌کند.

استقلال مالی و زیست مستقل، از قوی‌ترین انگیزه‌های دختران مهاجر است که حاضر به ازدست‌دادن آن نیستند.

پژوهش حاضر با کار زارع مهرجردی (۲۰۲۲) درمورد میل به خودساختگی و پیشرفت اقتصادی-اجتماعی و با پژوهش حسینی و همکاران (۲۰۱۶) دربارهٔ تجربه دختران مهاجر و چالش‌ها و دوگانگی‌های آنان هم‌راستا است. در کار اسماعیلی و همکاران (۲۰۱۷) به تحصیلات و کسب استقلال اشاره شده که در این پژوهش نیز کشف استقلال مهم‌ترین دلیل مهاجرت است. دختران تحصیل کرده و دارای تجربهٔ مشابه، بیشتر در جست‌وجوی استقلال هستند. همچنین با مطالعهٔ گلمبرا آزماتووا (۲۰۲۱) در مبحث مشارکت اجتماعی-فرهنگی زنان مهاجر همسو است که تحت تأثیر جامعهٔ مقصد قرار می‌گیرد. با پژوهش ایرون بروک (۲۰۲۰) نیز از منظر کسب مهارت‌ها و تقویت قوت‌ها و همچنین لزوم حمایت دارای نتیجهٔ مشابه است. پژوهش آلن (۲۰۲۰) که مربوط به توانمندسازی زنان و در نهایت تجربهٔ استقلال بیشتر با یافتهٔ پژوهش حاضر مبنی بر ارتقای خود و کشف و حفظ استقلال همسو است. آنچه برآیند بستر زیستهٔ زنان مهاجر ایجاد می‌کند، برساخت هویتی دوباره است؛ هویتی که بخش‌هایی از آن دلخواه و بخش‌هایی نیز غیردلخواه آنان است. چنین هویتی را می‌توان هویتی دوباره و ناپایدار نام نهاد. درک تفاوت زندگی در شرایط مستقل و در فرهنگی متفاوت، زمینهٔ شکل‌گیری و جهت‌گیری هویتی ناپایدار در آن‌ها را تقویت می‌کند. بورک هویت را مجموعهٔ معنا که در تعریف یک نقش یا موقعیت اجتماعی از اینکه شخص کیست می‌داند. می‌توان گفت منابع محیطی و نمادها در محیط اجتماعی واقع شده و با توجه به درون‌دادها در تعامل بین خود (ذهن فرد) و جامعه (محیط اجتماعی) و برون‌داد اولیه صورت می‌گیرد. در مقایسه با معیارهای ذهنی دیگران است که برون‌داد نهایی که همان رفتار اجتماعی فرد است بروز می‌یابد و وارد محیط اجتماعی می‌شود. محیط اجتماعی منبعی برای ادراک کنشگران دیگر می‌شود و با توجه به اینکه منابع محیطی و نمادها با معیارهای ذهنی خود از هویت مقایسه می‌شود، در ادراک از منابع محیطی، یک سیستم معانی مشترک در بین کنشگران واقع می‌شود که موجب می‌شود فرد رفتار خود را (رفتار فردی) با این سیستم معانی مقایسه و در نهایت به شکل رفتار اجتماعی بروز کند (Akbari Nouri, 2019). انتظاری که جامعهٔ بومی از مهاجر دارد، درون‌دادی است که در ذهن مهاجر شکل می‌گیرد و به صورت راهبردهای کنش بروز پیدا می‌کند. هویتی که یک دختر مهاجر در نهایت بر اثر تعاملات و انتظارات اجتماعی شکل می‌دهد، یک هویت چندگانه و مستلزم بازی نقش و پنهان‌کاری است. نتیجهٔ این امر تجربهٔ اضطراب‌های ناشی از این بازی است که فشار محیطی بر فرد وارد می‌کند. گیدنز نیز درمورد هویت معتقد است «خود» انسان در کنش متقابل با دیگران

هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی آن را پیوسته تغییر می‌دهد. خود مفهومی منفعل نیست که تنها تحت تأثیر عوامل بیرونی شکل بگیرد، بلکه حاصل تعامل درون و بیرون است. هویت القاشدنی نیست و باید به‌وسیله خود فرد ایجاد شود؛ یعنی با پذیرفتن نقش‌های گوناگون و تجربه خودهای مختلف، در یک دختر مهاجر هویتی سیال و منعطف شکل می‌گیرد که بنا بر مقتضیات تغییر می‌کند. در واقع براساس نظر گیدنز، در قالب روابط اجتماعی ما هویت ما نیز شکل می‌گیرد که هویت اجتماعی نامیده می‌شود و توسط دیگران به فرد نسبت داده می‌شود که هویتی مشترک براساس ارزش‌ها با سایر افراد است. در مقابل آن هویت شخصی ما را از دیگران جدا می‌کند. در جریان کنش متقابل معنایی برای خویشتن پیدا می‌کند. پس محیط فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری هویت مؤثر است، اما فردیت نیز در این میان نقشی مهم دارد (Giddens, 2008: 45).

۶. نتیجه‌گیری

اگر برآیند زندگی در مهاجرت مستقل را شکل‌گیری هویت دویاره و دوساختی بدانیم، می‌توان گفت زندگی در مهاجرت شباهت زیادی با زندگی در فضای مجازی دارد. یکی بخش هویت واقعی کنشگران و بخشی دیگر شامل هویت مطلوب اجتماعی است که برای دیگران به نمایش می‌گذارند. هویت نمایشی یا ابزاری به آنان کمک می‌کند تا در سایه بازی نقش و پوستین متفاوت نیازهای خود را برطرف کنند. واقعیت برای یک دختر تنها، بسیار سخت‌تر از آن چیزی است که او در روابط خود تجربه می‌کند و به نمایش می‌گذارد. در واقع دورنمای زندگی یک دختر مهاجر به‌نظر زیبا و قوی به‌نظر می‌رسد، اما در بطن آن، فشارها، بی‌حمایتی‌ها، تنهایی‌ها و... را تجربه می‌کند. تنها دلیل ایستادن و ادامه این زندگی مجازی، استقلال و امیدداشتن به خود است که در لابه‌لای این مشکلات در حال ساختن آن هستند. پس می‌توان گفت زیست مستقل نه‌تنها آسان و امن نیست، بلکه سرشار از چالش و شرایط سخت بستر اجتماعی جدید است که آن‌ها را وادار به رفتاری می‌کند که برخلاف میل و حتی چارچوب شخصیتی آنان است. می‌توان گفت در میدان زندگی به‌عنوان یک مهاجر باید رفتارهای خاص آن را در کنش‌های راهبردی جای داد تا با استفاده از قواعد این میدان بتوان زندگی را بین فشارهای ساختاری و آزادی عمل مدیریت کرد و شاید جابگاه اجتماعی بهتری نسبت به شهر مبدأ به‌دست آورد که در مورد دختران مهاجر، کسب استقلال و تجربه و تغییر ذائقه زیست مستقل، سرمایه‌هایی هستند که در خلال روابط به‌دست آمده‌اند. در واقع یک دختر برای مهاجرت باید حداقل سرمایه‌هایی از خود داشته باشد؛ برای مثال تجربه قبلی مشابه یا داشتن حداقل میزانی از سرمایه اقتصادی یا منزلت اجتماعی که بتواند در میدان‌های مختلف پیشرو در روابط فی‌مابینی برای کسب

استقلال بجنگد و در میان فشارهای مختلف از بین نرود. منش زندگی یک دختر تنها براساس تجربیات و آموخته‌ها تغییر می‌کند و با آن شناخته می‌شود و رفتار می‌کند. درنهایت زیست مجازی شاید سرمایه یا مهارتی است که دختران برای بقا در شرایط مهاجرت از آن استفاده می‌کنند و پوستین‌های متفاوت خود را برای حفظ آزادی و استقلال بر تن می‌کنند. درواقع شاید بتوان مثل «از اینجا رانده، در آنجا درمانده» را برای این مورد ذکر کرد. برای یافتن مدینه فاضله‌ای که در تصور خود دارند و به امید رهایی از کنترل و نظارت‌ها و فشارهای برآمده از خانواده و محیط زندگی به شهری مهاجرت می‌کنند که شاید در آن بتوانند با آسایش بیشتری در زندگی خود غرق شوند.

۷. پیشنهادها

۱. آموزش و مشاوره خانواده‌ها برای درک و همدلی بهتر با فرزندان پس از طی تحصیلات دانشگاهی و برگشت به خانه؛ ۲. حمایت سازمان‌های حمایتی همچون بهزیستی و کمیته امداد و تأسیس انجمنی که این حمایت را تا زمان یافتن شغل مناسب ادامه دهد؛ ۳. ایجاد مؤسسه توانمندسازی دختران مهاجر که خصوصاً در سامان‌دهی دختران با تجربه طلاق می‌تواند مؤثر واقع شود؛ ۴. سیاست‌گذاری‌های متناسب برای تمرکززدایی از شهرهای صنعتی مهاجرپذیر؛ ۵. حمایت جدی‌تر زنان دارای سابقه طلاق و دارای فرزند توسط خانواده و نهادهای حمایتی؛ ۶. تشکیل انجمن‌های مناسب برای تقویت مهارت‌های شغلی لازم برای دانشجویان پس از اتمام تحصیلات.

۸. تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی با شخص یا سازمانی ندارند.

References

- Abdul-Azeez, E. P., Dandub, P. N., Asha, R., & Senthil, K. (2020). The impact of COVID-19 on migrant women workers in India. *Eurasian Geography and Economics*, 62(1), 93-112.
<https://doi.org/10.1080/15387216.2020.1843513>
- Akter, M., Hossein, M., & Arif, U. (2015). Internal migration and the condition of female construction workers: A study in Chittagong City. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 46(1), 1-13.
<https://doi.org/10.18052/www.scipress.com/ILSHS.46.1>

- Alirezanejad, S., Savadian, P., & Jafari-Namini, P. (2013). Professional or gender identity: a study of educated girls older than 35 years working in Tehran. *Social Sciences*, 20(60), 259-294. <https://doi.org/10.22054/qjss.2013.6894> (In Persian)
- Courtney, K., Allen, A., & Sheraz, T. (2020). Trends in internal Migration and Women Empowerment in Pakistan. *DGS Further Analysis Reports*, 130(1), 1-34. [Link]
- Tittensor, D., & Mansouri, F. (2017). The feminization of migration: A critical overview. *The Politics of Women and Migration in the Global South*, 11-25. http://dx.doi.org/10.1057/978-1-137-58799-2_2
- Esmaili, N., & Mahmoudian, H. (2016). Investigation of factors affective on education and job migration of Iranian woman. *Strategic Studies of Sport and Youth*, 15(34), 1-21. [Link] (In Persian)
- Esmasili, N., & Mahmoudian, H. (2017). Woman and migration to Hmadan City, determinants and consequences. *Contemporary Sociological Research*, 6(10), 61-83. (In Persian)
- Ghorabi-Tabrizi, F., Divlashi, E., & Kafashi, M. (2010). Economic, social and cultural factors affecting Teharanian woman tendency toward migration to countries. *Social Research Quarterly*, 6(19), 1-24. (In Persian)
- Giddens, A. (1995). *Sociology*. Translated by: M. Sabouri. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Karami-Ghahi, M. T., & Papinejad, Sh. (2012). Socio-cultural context of girls single living. *Woman and Families Cultural-Educational Quarterly*, 7(21), 77-106. (In Persian)
- Liesbeth, H., Rob, E., & Leo, W. (2007). The role of family networks and migration culture in the continuation of Moroccan emigration: a gender perspective. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 30(2), 323-337. <http://dx.doi.org/10.1080/1369183042000200722>
- Mahmoudian, H., & Mahmoudiani, S. (2017). Investigation of woman role in Family migration decision making to Tehran Province. *Woman in Development & Politics*, 15(14), 477-498. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2017.233975.1007204> (In Persian)
- Mahmoudian, H., Razeghi-Nasrabad, B. H., & Karegar, M. (1999). Educated Migrant woman in Tehran. *Woman Research*, 7(4), 51-70. [Link] (In Persian)

- Marianne, H., & Pollara, A. (1995). The stress of immigration and the daily lived experiences of Jordanian immigrant women in the United States. *Journal of Nursing Research*, 17(5), 521-39.
<https://doi.org/10.1177/019394599501700505>
- Martika, I. B., & Fungisai, G. O. (2020). A new life in Norway: The adaptation experiences of unaccompanied refugee minor girls. *Children and Youth Services Review*, 117(12), 1-12.
- Martin, F., & Manalansan, I. V. (2014). Queer intersections: Sexuality and gender in migration studies. *International Migration Review*, 40(1), 224-249.
- Merriam, S., & Tisdell, E. (2016). *Qualitative research, a guide to design and implementation*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Moshfegh, M., & Khazai, M. (2015). A Study on characteristics and determinants of independent woman immigrants in Iran. *Strategic Studies of Women*, 67, 85-124.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20082827.1394.17.67.4.3> (In Persian)
- Rachel, R. (2006). Professional Nigerian women, household economy, and immigration decisions. *International Migration*, 44(5), 167-188.
- Raheshkhoo, M., Rafieean, M., & Amini, E. (2012). Investigation of socio-cultural factors role on Iranian students migration. *Social Research Quarterly*, 4(16), 73-92. [[link](#)] (In Persian)
- Robert, E. B. (1997). Internal migration in developing countries. *Internal Migration in Developing Countries*, 13(1), 721-798.
- Sadeghi, R., & Valadvand, L. (2015). Gender and migration: A sociological analysis of gender differentials in internal migration in Iran. *Contemporary Sociological Research*, 4(7), 55-78. [[Link](#)] (In Persian)
- Sadeghi, R., Esmaeili, N., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2020). Education, development and internal migration in Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 16(31), 193-215.
<https://doi.org/10.22034/jpai.2021.128570.1152> (In Persian)
- Sonya, F., Bokul, H., & Siddiqur, R. (2020). Internal migration and women empowerment: A study on female garments workers in Dhaka City of Bangladesh. *Advances in Applied Sociology*, 10(3), 74-91.
<http://dx.doi.org/10.4236/aasoci.2020.103006>
- Zanjani, H. (2001). *Migration*. Teharn: SAMT. (In Persian)

Zare, M. R., Fooladian, M., Hasani, Gh., & Ardahaiei, A. (2022). Qualitative study of women's independent migration processes to Tehran City; case study of migrant women of Yazd province. *Letter of Iranian Demographic Society*, 17(33), 269-306. <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.562852.1251> (In Persian)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی